



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی-پژوهشی مشرق موعود

سال چهاردهم/شماره پنجاه و ششم/زمستان ۱۳۹۹

راهبردهای امامین عسکریین علیهما السلام در تعلیم و بالندگی آموزه مهدویت*

رضا شجاعی مهر^۱

مصطفی جعفرطیاری^۲

محمد رضا فوادیان^۳

چکیده

یکی از رسالت‌های مهم امامان شیعه، تبیین و تقویت باورداشت مهدویت به عنوان آخرین حلقه از زنجیره امامت بود. چیدمان خشت‌های پایانی این آموزه سترگ، بر دوش امامین عسکریین علیهما السلام نهاده شده بود. زیست‌جهان عسکریین از یک سو با فشارهای شدید بر ایشان و شیعیان‌شان همراه بود و از سوی دیگر به جهت نزدیکی به بازه زمانی غیبت، فرصت زیادی برای پیوند مردم با اقتضائات دوره غیبت وجود نداشت ایشان با اتخاذ راهبردهای مناسب در دو حوزه سلبی و ایجابی به فهم‌پذیری و رشد آموزه مهدویت کمک نمودند. امامین عسکریین علیهما السلام با خلق راهبردهای سلبی هم‌چون راهبرد پیشگیری و هشدار و راهبرد فریب دشمن و اقدامات مؤثری هم‌چون برگزاری مجلس عزا برای محمدبن علی، پیشگویی از فرقه جعفریه و انذار شیعیان از مجالست با جعفر، نهی از همنشینی با مدعیان وکالت، به اشتباه انداختن دشمن با اعلان ولادت و فوت فرزندان دیگر، تغییر مکان امام مهدی علیه السلام، تعیین مادر خویش به عنوان وصی، در تحقق و عملیاتی‌سازی این راهبردها توانستند جریان‌های موازی و مدعی آموزه مهدویت را مدیریت و منزوی نمایند و با اتخاذ راهبردهای ایجابی نظیر تقویت شبکه ارتباطی و معرفت‌افزایی و کاربست رفتارهای مناسب در این راستا مانند؛ طرح جانشینی ولایت فقها در عصر غیبت، تولید محتوای پژوهشی در عصر غیبت، مطرح نمودن مسائل مرتبط با امام مهدی علیه السلام در قالب نگارش نامه، تصریح به امامت مهدی علیه السلام، انتقال معارف مهدوی از طریق دعا، تبیین و آموزش رفتاری غیبت، شبهه‌زدایی و پاسخ به سؤالات در زمینه مهدویت توانستند ریشه‌های اعتقاد به باور مهدویت را در میان توده مردم مستحکم نمایند.

واژگان کلیدی

راهبرد، مهدویت، عسکریین، تعلیم، آموزه غیبت.

* تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۱۰

۱. دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ایران (نویسنده مسئول) (tarid315@gmail.com).

۲. استادیار گروه شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ایران.

۳. سطح چهار حوزه علمیه قم، ایران.

مقدمه

تقویت و تبیین آموزه امامت و مهدویت از کارکردها و مسئولیت‌های خطیر امامان شیعه است. با نزدیک شدن به زمان تولد و آغاز دوران غیبت امام مهدی علیه السلام، انجام این رسالت، بیش از پیش دشوار می‌نمود. دوره امامت امام هادی و امام عسکری علیه السلام دوران خفقان و فشار رژیم عباسی بر ائمه و شیعیان‌شان بود. این مسئله، رسالت عسکریین علیهم السلام را با دشواری همراه نمود. امامان شیعه، با درک اقتضائات سیاسی و فرهنگی زمانه خویش، با طرح روش‌ها و اتخاذ راهبردهای متنوع، سال‌ها پیش از تولد امام مهدی علیه السلام به تقویت و تحکیم باور داشت مهدویت پرداختند. در این میان، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام تلاش‌های فراوانی را در جهت بالندگی این آموزه خطیر انجام دادند و با اتخاذ راهبردها و تاکتیک‌های مناسب، علاوه بر مصون‌سازی، به تبیین و تقویت آموزه مهدویت کمک نمودند. ایشان علاوه بر مبارزه با جریان‌ات سلبی و منحرف مهدویت و ترمیم زیرساخت‌های اعتقادی این آموزه، وظیفه سنگین تبیین اثباتی آن و آماده‌سازی جامعه شیعه برای گذار به عصر غیبت را هم‌زمان به عهده داشتند. پژوهش حاضر در پی تصویرسازی و بازنمایی راهبردها و اقدامات کلان امامین عسکریین علیهم السلام در فهم‌پذیری آموزه مهدویت می‌باشد.

فرضیه تحقیق: امامین عسکریین علیهم السلام توانستند با استخدام و خلق راهبردهای سلبی و ایجابی مناسب، در تعمیق و فهم‌پذیری آموزه مهدویت نقش‌آفرینی نموده و از این طریق به پی‌ریزی و مقاوم‌سازی پایه‌های معرفتی آموزه مهدویت در میان توده مردم کمک نمایند. راهبرد پیشگیری و هشدار و راهبرد فریب دشمن به عنوان دو راهبرد کلان سلبی، راهبرد تقویت شبکه ارتباطی و معرفت‌افزایی نیز راهبردهای کلان ایجابی هستند که از سوی عسکریین علیهم السلام مورد اهتمام قرار گرفت. که برای عملیاتی‌سازی این راهبردها، اقدامات مهمی صورت پذیرفت. پرسش تحقیق: نگارنده در این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است.

۱. امامین عسکریین علیهم السلام برای رشد و فهم‌پذیر نمودن آموزه مهدویت از چه راهبردهایی استفاده نموده‌اند؟

۲. امامین عسکریین علیهم السلام برای تحقق و عملیاتی‌سازی این راهبردهای کلان، دست به چه اقداماتی زده‌اند؟

تحلیل و بررسی راهبردهای سلبی امامین عسکریین علیه السلام

امامین عسکریین علیه السلام در زمینه مقابله با ناسازگاری‌های فکری و رفتاری دشمنان و رواج فرهنگ ضد مهدویت و در راستای گسترش معارف مهدویت و زمینه‌سازی غیبت، راهبردها و اقدامات متعددی را اعمال نموده‌اند. این راهبردها در خنثی‌سازی و کم‌اثر کردن آسیب‌های آموزه مهدویت، نقشی به‌سزایی داشتند. در این‌جا راهبردهای سلبی به معنی بهره‌گیری و استفاده از روش‌های کلان بازدارنده در امر مهدویت می‌باشد. لذا به آن دسته از روش‌هایی که در تبیین و تقویت آموزه مهدویت، گزاره‌های سلبی را اصل و مبنا قرار می‌دهد راهبردهای سلبی اطلاق می‌شود، راهبرد سلبی به معنای انفعال و واپس‌گرایی نمی‌باشد بلکه، سلب کردن در این‌جا، بر خلاف معنای ظاهری آن، استخدام و خلق شیوه‌هایی است که پیام‌های پنهان مهدوی را به قصد آسیب‌زدایی به کار می‌بندد. در واقع راهبرد سلبی، ناظر بر فرایند پیرایش موانع رشد این آموزه به قصد شکوفاسازی و آشکار نمودن قابلیت‌های نهفته آموزه مهدویت است.

راهبرد پیشگیری و هشدار

یکی از راهبردهای امامین عسکریین علیه السلام که در راستای بازدارندگی، مهار و کنترل افراد و جریان‌ات مدعی و منحرف مهدویت به کار بسته‌اند، راهبرد پیشگیری و هشدار است. عسکریین علیه السلام برای مهار و مدیریت این جریان‌ات آسیب‌زا و عدم سرایت و گسترش آن در سطح جامعه این راهبرد کلان را در پیش گرفتند. به همین منظور برای عملیاتی‌سازی و تحقق این راهبرد دست به اقدامات و عملکردهایی زده‌اند که در نهادهای سازی این راهبرد مؤثر بوده است.

۱. تصریح به مرگ محمد بن علی و اقامه مجلس عزاء

از انحرافات که در دوره زندگانی امامین عسکریین علیه السلام متأثر از آموزه مهدویت شکل گرفت شکل‌گیری فرقه محمدیه بود که گروهی از شیعیان، پس از شهادت امام هادی علیه السلام به امامت محمد، فرزند ایشان معتقد شدند. این گروه، طرفدار امامت محمد بن علی الهادی علیه السلام بودند. آنها بر این باور بودند که محمد زنده است و او را مهدی قائم علیه السلام می‌دانستند. (نوبختی، ۱۳۶۱: ۹۴) این فرقه تا آن‌جا پیش رفتند که مرگ او را منکر شدند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۲۸ و ۹) آنها محمد را جانشین امام هادی علیه السلام می‌دانستند و معتقد بودند که پدرش او را از ترس مردم از دیده‌ها پنهان کرده و الا نمرده است، بلکه غایب شده، او مهدی قائم است. (نوبختی، ۱۳۶۱: ۱۳۶۱)

(۱۰۰-۱۰۱)

امام هادی علیه السلام در یک اقدام پیشگیرانه برای مقابله با فرقه محمدیه، که پس از شهادت ایشان به وجود آمد. از یک سو، به مناسبت‌هایی به نص امام بعد از خود اشاره می‌نمودند و از طرف دیگر با برپایی مجلس عزاء به مرگ فرزندش محمد تصریح می‌کردند. به عنوان نمونه: عمر نوفلی می‌گوید:

من همراه ابوالحسن الهادی علیه السلام بودم که در این هنگام فرزندش ابوجعفر محمد نیز همراه ما شد. به آن حضرت عرض کردم فدایت شوم این فرزندان بعد از شما، صاحب امر ماست؟ در حالی که محمد آن جا بود، امام فرمود: نه، صاحب امر شما بعد از من، فرزندم حسن است. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۴۹-۳۵۰)

امام هادی علیه السلام به منظور پیشگیری از انحراف فرقه محمدیه که بعدها مدعی مهدویت فرزندش محمد شدند، علاوه بر هشدار به ایشان، (مانند آن چه که امام صادق علیه السلام در مرگ اسماعیل انجام دادند) در مرگ فرزند خود به گونه‌ای عمل نمودند که به شیعیان بفهماند وی رحلت نموده است. در حدیثی، انباری می‌گوید:

هنگام وفات ابی جعفر محمد، فرزند امام علی النقی علیه السلام حاضر بودم که ایشان وارد شدند. برای حضرت، تختی گذاشتند و بر آن نشست و اهل بیتش دورش بودند و امام عسکری علیه السلام در گوشه‌ای ایستاده بود. حضرت هادی علیه السلام وقتی از تجهیز ابی جعفر فارغ شد، متوجه ابومحمد شد و فرمود: پسر جان! خدای تبارک و تعالی را شکر کن که نسبت به تو کاری پدید آورد. (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۱۶)

۲. پیشگویی از فرقه جعفریه و انذار شیعیان از مجالست با جعفر

جعفر بن علی (متوفای ۲۷۱ق)، معروف به جعفر کذاب، فرزند امام هادی علیه السلام از مدعیان امامت و مهدویت می‌باشد. او پس از شهادت برادرش امام حسن عسکری علیه السلام ادعای امامت کرد. عده‌ای نیز به امامت جعفر گرویدند و امامت او را منصوب از طرف امام هادی علیه السلام می‌دانستند، آنها نداشتن فرزند برای امام عسکری علیه السلام را علت نپذیرفتن امامت او می‌دانستند و بر این باور بودند که امامت از برادر به برادر نمی‌رسد. (نوبختی، ۱۳۶۱: ۱۰۰) و امامت امام حسن عسکری علیه السلام را فاقد اعتبار می‌دانستند. جعفر برای تثبیت امامت خود، تولد امام زمان علیه السلام را انکار کرد و مدعی میراث امام عسکری علیه السلام شد، پیروان جعفر را جعفریه می‌گفتند. (آشتیانی، ۱۳۴۵: ۲۵۳؛ طاهر البغدادی، ۱۴۰۸: ۸۳؛ اشعری، ۱۳۶۰ش: ۱۰۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۰۰)

امامین عسکرین علیه السلام، جهت انذار شیعیان از مجالست با جعفر و رسواسازی او، به

پیشگویی این وقایع پرداختند.

زمانی که جعفر از تولد صاحب الامر^{علیه السلام} آگاه شد سراسیمه نزد خلیفه وقت رفت و از او خواست که خانه امام حسن عسکری^{علیه السلام} را محاصره و تفتیش کند. در اثر فتنه گری جعفر، خلیفه، دودمان امامت را محاصره و اعضای بیت امام عسکری^{علیه السلام} را به سیاه چال زندان منتقل کرد، به خیال خود که می تواند به مهدی موعود^{علیه السلام} دست یابد. (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۲۵) امام هادی^{علیه السلام} فرزندش جعفر را همانند فرزند نوح^{علیه السلام} که قرآن در مورد او به نوح^{علیه السلام} فرمود: او از اهل تو نیست (هود: ۴۶) برشمرد. (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۳۲۰) ایشان به احمد بن سعد کوفی و جمع دیگری از شیعیان که احتمالاً به جهت تبلیغات جعفر در خصوص امامت خویش به شک افتاده بودند فرمود: از جعفر بپرهیزید، همانا جعفر دشمن من است، اگر چه فرزند من باشد. هم چنین او دشمن برادرش حسن است، و حسن امام بعد از من می باشد... (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۳۲۰) امام هادی^{علیه السلام} با این روش، به تصحیح اصل امامت و مصداق امام بر حق پرداخت و شیعیان را از شک در این زمینه نجات داد. راوی می گوید: ما از نزد حضرت هادی^{علیه السلام} بیرون آمدیم و با سخنانی که از حضرت شنیدیم، دیگر تردیدی برای ما باقی نمانده بود (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۳۲۰) هم چنین امام حسن عسکری^{علیه السلام} در بیانی صریح، از این حقیقت پرده برداشت و به انحراف جعفر در قضیه امامت فرزندش تصریح نمودند. امام عسکری^{علیه السلام} درباره جعفر چنین فرموده است:

حذر کنید از برادر من جعفر، قسم به خدا مَثَل من و مَثَل او (جعفر)، همانند مثل هابیل و قابیل، دو فرزند حضرت آدم^{علیه السلام} است که قابیل به هابیل حسد ورزید که چرا خداوند، آن چنان به او عطا فرموده است، اگر جعفر بتواند مرا بکشد، هرگز دریغ نمی کند و لکن خدا بر تمام کارهایش پیروز است. (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۳۸۲)

امامین عسکریین^{علیهم السلام} با اقدامات مؤثر خود، پرده از حقیقت این فرقه باطل نزد دوستان و علاقه مندان برداشتند تا مردم در امر امامت حضرت مهدی^{علیه السلام} دچار انحراف نشوند و به دام گمراهی جعفر و فرقه منحرف جعفریه گرفتار نیایند.

۳. تکذیب مدعیان وکالت و نهی از همنشینی با ایشان

یکی از بارزترین جلوه های فعالیت امامین عسکریین^{علیهم السلام}، مبارزه با مدعیان منحرف بود. به دلیل نزدیک شدن به زمان تولد حضرت مهدی^{علیه السلام} و آغاز فصل غیبت، بازار مدعیان وکالت، نیابت و بابیت داغ شد. عسکریین^{علیهم السلام} با زیر نظر گرفتن فعالیت این افراد و عکس العمل

مناسب در قبال آنها، بخشی از نیروی خویش را صرف پاسخ‌دهی و مواجهه با این تفکرات می‌کردند. فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی (کشی، ۱۳۸۴: ۳۲۳) که از یاران امام هادی علیه السلام و وکیل حضرت بود به مخالفت با امام هادی علیه السلام برخاست و شایع کرد که آن حضرت، پس از خود، جعفر را به امامت برگزیده نه حسن علیه السلام را. (نوبختی، ۱۳۶۱: ۸۴) فارس، نقش تعیین‌کننده‌ای در انحراف فکری شیعیان از مسئله امامت و مهدویت داشت. شیعیان مکرر در مورد او از امام هادی علیه السلام پرسش‌هایی کردند و حضرت در جواب این پرسش‌ها، ضمن بیزاری از فارس، او را تکذیب نموده، از شیعیان می‌خواست که از او فاصله بگیرند و کاری کنند که موجب انزوا و خواری او شوند و اجازه ندهند در امورشان دخالت کند. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۶۱۲، ح ۳۱۲؛ کشی، ۱۳۸۴: ح ۹۹۹، ۱۰۰۳ و ۱۰۱۱) امام هادی علیه السلام به منظور رسواسازی فارس بن حاتم، به دروغ بودن ادعای او که خود را نایب، باب و فردی از سوی امامان معرفی کرده بود اشاره دارد و او را فردی فتنه‌گر و دعوت‌کننده به بدعت معرفی می‌کند. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۵۲۴) امام هادی علیه السلام ابن حسکه را نیز دروغگو خواند و ادعای او را مبنی بر این‌که از اولیای حضرت و باب ایشان است رد کرد (همان: ۵۱۸-۵۱۹) امام در نامه‌ای به یکی از شیعیان، وی و همه شیعیان را از ابن نصیر فهری و ابن بابای قمی نیز بر حذر داشت. (همان: ۵۲۰) هم‌چنین در پاسخ به نامه ابراهیم بن داود یعقوبی که انحراف فارس بن حاتم را بیان کرده بود فرمود:

با او هم مجلس نشوی و اگر او نزد تو آمد تحقیرش کن (همان: ۵۲۲).

راهبرد فریب دشمن

از راهبردهای کلان و مهم امامین عسکریین علیه السلام که در قالب یک عملیات پیچیده رفتاری صورت پذیرفت، فریب دشمن است. در این راهبرد کلان، ائمه عسکریین علیه السلام با به اشتباه انداختن دشمن و تغییر تاکتیک‌های مناسب، موفق به سردرگمی و فریب دشمنان شده تا امنیت جانی امام مهدی علیه السلام را تأمین و حفظ نمایند. برای تحقق این راهبرد کلان و ویژه، اقدامات زیر صورت گرفته است.

۱. به اشتباه انداختن دشمن با اعلان ولادت و فوت فرزندان دیگر

یکی از اقدامات امام حسن عسکری علیه السلام برای حفظ آخرین ذخیر الهی، مشابه‌سازی و به اشتباه انداختن دشمنان بود. در برخی از روایات از تولد فرزند دیگری برای حضرت عسکری علیه السلام، همزمان با تولد حضرت حجت علیه السلام خبر داده شده است، فرزندی که مدتی کوتاه پس از ولادت، از دنیا می‌رود. به نظر می‌رسد این اقدام از سوی امام می‌باشد که برای سردرگم

کردن دشمن به کار گرفته شده است. ابن جمهور از بشار بن ابراهیم، همراه مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام نقل کرده است که سرورم امام عسکری علیه السلام دو قوچ برایم فرستاد و فرمود: این دو را از طرف فرزندانم حسن بکش و بخور و به برادران غذا بده. این کار را انجام دادم، پس از مدتی ایشان را ملاقات کردم و فرمود: فرزندی که برایم زاده شده بود، مُرد. بعد از مدتی برایم چهار قوچ فرستاد و برایم نوشت: به نام خدای بخشایش گر مهربان، این چهار قوچ را از طرف سرورم بکش و بخور، گوارایت باد. این را انجام دادم و بعداً ایشان را ملاقات نموده و به من فرمودند: خداوند صرفاً با دو فرزندم حسن و موسی برای فرزند حسن، محمد، مهدی این امت و بزرگ ترین گشایش، پوشش و حفاظی فراهم کرد. (خصیعی، ۱۴۱۹ق: ۳۵۸؛ شطرنوی، مشرق موعود: ش ۴۰، ۱۰) امام از تدبیر پروردگار خبر می دهد که تولد فرزندان دیگر و مرگ برخی از آنها در حقیقت، نوعی پوشش بوده است تا کسی متوجه تولد امام دوازدهم نشود.

۲. تغییر و جابه جایی مکان امام مهدی علیه السلام

یکی از اقدامات امام حسن عسکری علیه السلام برای حفظ و در امان ماندن فرزندان، تغییر مکان حضرت مهدی علیه السلام بود. روایت های فراوانی از این جابه جایی مکانی گزارش شده است. از جمله این که امام حسن عسکری علیه السلام تصمیم گرفت تا اقامتگاه فرزندش را به جای مطمئن تر از سامرا تغییر دهد تا بتواند فعالیت های سیاسی و مذهبی خود را از طریق وکالت، بی آن که با مزاحمت های عباسیان مواجه شود رهبری نماید. بنا به نقل شیخ صدوق، امام عسکری علیه السلام، چهل روز پس از تولد فرزندش او را به مکان نامعلومی فرستاد و آن گاه وی به مادرش بازگردانده شد. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۴۲۹) بنا به روایت مسعودی، امام عسکری علیه السلام در سال ۲۵۹ق، از خُدَیث، مادر خود درخواست نمود تا به حج مشرف شود. (مسعودی، ۱۳۴۳ق: ۲۴۷ و ۲۵۳) امام، وضعیت بحرانی خود را برای مادر تشریح نمود و او را به کمال راهنمایی کرد و پسرش را با او فرستاد. به نظر می رسد آنان پس از برگزاری مناسک حج، به مدینه عزیمت کرده باشند و آن جا را برای مدتی محل اختصاص امام دوازدهم قرار داده اند. چنان که در روایات وارد گشته، زمانی که ابوهاشم جعفری از امام عسکری علیه السلام درباره جانشین حضرتش پرسید:

پس از وفات، سراغ جانشین شما در کجا باید رفت؟ امام پاسخ فرمودند: در مدینه. (کافی، ۱۳۶۵ش: ج ۱، ۳۲۸)

جاسم حسین نیز با اشاره به برخی از شواهد موجود در روایات مربوط به تولد حضرت مهدی علیه السلام چنین برداشت کرده است که آن حضرت، پس از تولد، برای پنهان ماندن از چشم

دشمنان به مدینه برده شده است. (حسین، ۱۳۸۵: ۱۲۴)

۳. تعیین مادر خویش به عنوان وصی

امام حسن عسکری علیه السلام به عنوان یک تاکتیک و اقدام مؤثر در فریب دشمن، وصایت خود را تنها به مادرش «حَدِیث» ظاهر کرد و هیچ گاه آشکارا جانشینی برای خود معرفی نکرد. بنابر روایات و نقل های تاریخی، امام حسن عسکری علیه السلام، تنها حُدِیث را وصی خود قرار داد، با آن که هم فرزند داشت و هم برادرش جعفر در قید حیات بود. در روایت کلینی، ادعای حُدِیث در مورد وصیت امام حسن عسکری علیه السلام و اثبات این ادعا نزد قاضی مطرح شده است (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۵۰۳) وضعیت شیعیان به گونه ای بود که برخی معتقد بودند پس از رحلت امام، مادرش حُدِیث، عهده دار امامت خواهد شد. (صدوق، ۱۳۹۵: ق: ۵۰۶-۵۰۷) این وصیت به معنای نفی فرزند برای امام نیست، بلکه اقدامی است که در پوشش سیاست تقیه و به اشتباه انداختن دشمن، سعی در پنهان سازی فرزند از چشمان حکومت دارد همان گونه که امام صادق علیه السلام به پنج نفر وصیت کردند و امام حسین علیه السلام که به خواهر خود وصیت فرمودند.

امام حسن عسکری علیه السلام برای انحراف افکار دشمنان، مادر خود را که از زنان نمونه بود، به عنوان وصی خود قرار داد تا افکار را بیش از پیش به وی جلب کند و دشمنان به یقین دریابند که امام هم چنان فاقد فرزند و وصی معصوم است. (رفیعی، ۱۳۸۷: ۲۴۲) شیخ طوسی نیز در کتاب الغیبه می نویسد:

آن حضرت، مادر خود را وصی قرار داد تا تولد فرزندش مخفی بماند. شیخ طوسی در ادامه می گوید: نظیر آن را امام صادق علیه السلام برای در امان ماندن فرزندش موسی بن جعفر علیه السلام انجام داد و پنج نفر را وصی خود معرفی کرد که از جمله آنان حمیده بربریه بود. (طوسی، ۱۴۱۱: ق: ۱۰۸)

شیخ مفید در کتاب *فصول العشره* که در آن به ده شبهه مهم زمان خود درباره امام مهدی علیه السلام پاسخ می دهد، پس از نقل ماجرای وصی قرار دادن «حُدِیث» از سوی امام عسکری علیه السلام، به ذکر دلایل عقلی و نقلی این کار می پردازد و از این حرکت به عنوان یک راهبرد و اقدام سیاسی یاد می کند (مفید، ۱۴۱۴: ق: ۴۶) در برخی از نقل ها، جریان وصی قرار دادن حُدِیث را مشابه وصایت حضرت زینب علیه السلام از امام حسین علیه السلام دانسته اند. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۵۰۳؛ صدوق، ۱۳۹۵: ق: ۵۰۷)

تحلیل و بررسی راهبردهای ایجابی امامین عسکریین علیه السلام

رهبری و مدیریت امامین عسکریین علیه السلام در اعتلای فرهنگ مهدویت و رسیدن به هدف فراهم سازی زمینه های غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له و اعمال سیاست های خاص و ویژه، موجب تقویت و نهادینه شدن فرهنگ مهدویت در تار و پود معرفتی جامعه شیعه گردید. عسکریین علیه السلام به گونه ایجابی، فرصت های مناسب را فراهم نموده و راهبردهایی تدوین نمودند. مواضعی که در ضمن آن بتوان جامعه را در جهت اثبات و تثبیت آرمان مهدویت، به نحو مطلوب رهبری و هدایت کرد. راهبردهای ایجابی عبارت است از مواجهه اثباتی و بیان دلایل و کارکردهای مثبت در عملکرد این دو امام، برای ایجاد صلابت و استحکام عقیدتی نسبت به آموزه مهدویت در این مجال، راهبردهای کلان و اقدامات و شیوه های تحقق این راهبردها توسط عسکریین علیه السلام در راستای بستر سازی و مقاوم سازی اندیشه سترگ مهدویت را تحلیل و ارزیابی می نمائیم.

راهبرد تقویت شبکه ارتباطی

در این راهبرد کلان، امامین عسکریین علیه السلام از تمام ظرفیت های موجود برای مستحکم کردن ریشه های آموزه مهدویت استفاده نمودند ایشان با بهره گیری بهینه و استفاده حداکثری از ظرفیت وکلا، علما و نواب به حل مسئله عدم رویت و حضور ظاهری امام عصر عجل الله تعالی فرجه له در جامعه عصر غیبت کمک نمودند و به ترسیم نقشه راه در این بازه حساس زمانی پرداختند. شرایط خفقان حاکم بر زیست جهان عسکریین علیه السلام، ارتباط مستقیم امام با شیعیان را محدود نموده بود برای برون رفت از وضعیت موجود، عسکریین علیه السلام، توانستند با تقویت شبکه ارتباطی و سپردن امور حساس به شیعیان خاص و نایبان خود، وضعیت پیش آمده را به بهترین شکل مدیریت نموده و از این طریق به پویایی و رشد آموزه مهدویت کمک نمایند. امامین عسکریین علیه السلام در راستای تحقق این راهبرد، دست به اقدامات و روش های زیر زدند....

۱. معرفی نواب خاص و لزوم طرح جانشینی و ولایت فقها در عصر غیبت

از روش ها و اقدامات مؤثر عسکریین علیه السلام در راستای تحقق راهبرد تقویت شبکه ارتباطی، معرفی وکلا و لزوم طرح جانشینی فقها و ولایت آنها از ائمه معصوم علیهم السلام در دوران غیبت است. در دوران امامت امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام، فعالیت سازمان وکالت با توجه به عوامل و زمینه های خاص این دوره که در آستانه عصر غیبت صغری بود گسترش یافته و تقویت شد. اهتمام این دو امام بزرگوار بر عادت دادن شیعه به مراجعه نزد واسطه یا باب ایشان

یعنی عثمان بن سعید عمری قرار داشت. وی مهم‌ترین وکیل این عصر در اوائل عصر غیبت صغری بود. امام هادی علیه السلام نخست او را وکیل خود و سپس وی را وکیل پسرش امام عسکری علیه السلام قرار دادند. پس از شهادت پیشوای یازدهم، عثمان بن سعید، رهبری عام شیعیان را به عنوان نخستین نماینده امام مهدی علیه السلام به عهده گرفت. و سپس محمد به عنوان سفیر دوم امام دوازدهم به جانشینی او منصوب شد. احمد بن اسحاق می‌گوید:

از حضرت هادی علیه السلام پرسیدم: مسائل دین خود را از کدام شخص پرسیم و سخن که را بپذیریم؟ امام فرمود: [عثمان بن سعید] عمری، مورد اعتماد من است. وی هر چه به شما بگوید از من آموخته، اینک به سخنان او گوش فرا ده، وی مردی امین و موثق است. (طبرسی، ۱۴۱۷: ۴۲۲)

امامین عسکریین علیهم السلام از همان دوران امامت خویش، مسلمانان به خصوص شیعیان را برای تبعیت از عالمان محدثین و فقها در عصر غیبت آماده می‌ساختند. امام حسن عسکری علیه السلام از پدر بزرگوارشان امام هادی علیه السلام در تبیین جایگاه رفیع علما و فرهیختگان شیعه نقل می‌کند:

اگر پس از غیبت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله از عالمان، کسی نمی‌ماند که مردم را به سوی خدا دعوت و راهنمایی کند و با حجج الهی، از دینش دفاع کند و بندگان ناتوان خدا را از دام‌های ابلیس و سرکشان و نواصب برهاند، همه از دین خدا برمی‌گشتند... ولی ایشان زمام دل‌های شیعیان ناتوان را هم چون ناخدای سکاندار کشتی، در دست دارند ایشان نزد خدای سبحان، برترین منزل را دارند. (صدوق، ۱۳۹۵: ۳۷۹-۳۸۳؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۵۰۲)

عملکرد عسکریین علیهم السلام در کادرسازی علما و فقها، با هدف زمینه‌سازی غیبت و گسترش معارف اسلامی بسیار کارآمد بود. از آثار این اقدام، توجه دادن مردم مسئله عدم ضرورت ارتباط مستقیم با امام، و توجه دادن منسجم و سازمان یافته به مسئله نقش فقها در صورت غیاب یا عدم دسترسی به امام بود که نقش قابل توجهی در آمادگی اذهان عمومی برای پذیرش نقش فقها در عصر غیبت صغری و غیبت کبری داشت.

۲. تربیت نخبگان مهدوی و تولید محتوای پژوهشی در عرصه مهدویت

مهدی‌نگاری در میان اندیشمندان اسلامی به‌ویژه اصحاب ائمه علیهم السلام به دوران پیش از میلاد حضرت مهدی علیه السلام برمی‌گردد. تربیت محققین و تاکید بر نگارش متون مکتوب در حوزه مهدویت، توسط امامین عسکریین علیهم السلام خود اقدامی استراتژیک در راستای راهبرد تقویت شبکه ارتباطی برای استحکام و مانایی آموزه مهدویت بود. امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام

به صورت ویژه به تربیت شاگردان و پژوهشگران توانمند در عرصه‌های علمی و اعتقادی همت گماردند تا بتوانند علاوه بر پاسخگویی به سؤالات شیعیان در زمینه عقائد مهدویت، شبهات و پژوهش‌های مخالفین را نیز پاسخ گویند. شیخ طوسی نام ۱۸۵ نفر از شاگردان امام هادی علیه السلام را ذکر کرده است. (طوسی، ۱۴۱۵: ۴۰۹) برخی از شاگردان امام هادی علیه السلام به صورت ویژه به تألیف کتبی در حوزه مهدویت اهتمام داشته‌اند. نهضت مهدی پژوهشی در عصر امام هادی علیه السلام چنان شکوهمند بود که عده‌ای از اصحاب آن حضرت، چندین کتاب علمی در این حوزه قلم زدند. به عنوان نمونه؛ ابوالحسن علی بن مهزیار اهوازی که از وکیلان امام نهم و دهم بود و از محدثین بزرگ شیعه در این عصر است بنا به نقل نجاشی، کتابی به نام *القائم* نگاشت که در باب غیبت امام و قیام او با شمشیر است. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۵۰، ش ۹۴۲)، هم‌چنین کتاب دیگری با عنوان *الملاحم* از ایشان ذکر گردیده است که به روایات بحث مهدویت پرداخته است. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۹۱؛ طوسی، ۱۳۵۱: ۲۲۶) عبدالله بن جعفر حمیری، عالم، محدث شیعه از مشایخ قم می‌باشد که توفیق شاگردی امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام را داشته است و پس از آن از کارگزاران نواب اول و دوم امام دوازدهم شد. (حسین، ۱۳۸۵: ۲۴) حمیری با تألیف کتاب *الدلائل* در موضوع امامت و کتاب *الفترة والحميرة*، گام بلندی در این راستا برداشت. از جمله آثار حمیری در حوزه مباحث مهدویت، کتاب *الغیبه* است.

فضل بن شاذان نیشابوری نیز از علمای بزرگ امامیه و از اصحاب و شاگردان امامین عسکریین علیه السلام بوده که از پیش‌تازان عرصه تألیف و تحقیق در زمینه مهدویت است. او کتابی با عنوان *الغیبه* گردآوری کرد. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۳۵) در میان آثار پژوهشی فضل بن شاذان، دست‌کم هشت کتاب درباره امام مهدی علیه السلام و مسائل مرتبط با مهدویت وجود داشته است: کتاب *الحجة، اثبات الرجعة* (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ۲۳، ۱۸۹ و ۶۶۳۴)، *القائم* و کتاب *الملاحم* (طوسی، ۱۳۵۱: ۱۶۸؛ ش ۶۱۵)، *حذو النعل بالنعل، الحجة فی ابطاء القائم* «وقت خروج قائم» (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ۲۵ و ۱۳۴) از آثار پژوهشی فضل بن شاذان در حوزه مهدی‌نگاری است. نگارش حجم وسیعی از کتب در زمینه مهدویت، گواه این مطلب است که جو فرهنگی حاکم بر شیعیان در قرن سوم هجری، یک جو اعتقادی درباره قائم و ضرورت وجود او بوده است.

۳. طرح مسائل مرتبط با مهدویت در قالب نامه‌ها

در تحلیل رفتارشناسی امامین عسکریین علیه السلام، ارتباط غیرمستقیم و از راه دور به وسیله

نامه نگاری ایشان با شیعیان، به عنوان طرحی دوراندیشانه برای عصر غیبت به چشم می خورد. یکی از مشخصات بارز عصر غیبت، آن بود که شیعیان برای طرح مشکلات خود می بایست آنها را به صورت مکتوب به وکلای امام عصر علیه السلام تحویل می دادند و سپس پاسخ را در قالب توقیعات دریافت می نمودند. این برنامه هر چند در عصر سایر ائمه علیهم السلام نیز انجام می شد، ولی در عصر عسکریین علیهم السلام که شیعیان در آستانه ورود به عصر غیبت قرار داشتند تشدید گردید. (جباری، ۱۳۸۲: ج ۱، ۵۳) این رویکرد راه را برای پذیرش مکتوبات امام زمان علیه السلام باز کرد، به قدری این اقدام از سوی عسکریین علیهم السلام شایع شده بود که شیعیان، این نکته را مفروض می دانستند که برقراری ارتباط با امام، جز از طریق مراسله و مکاتبه صورت نمی پذیرد. (صدر، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۲۳۳) از مجموع ۲۲۹ نامه ای که از طرف امام هادی علیه السلام برای افراد خاص و تعداد ۳۳ نامه برای گیرندگان عام نگاشته شده است. حجم قابل توجهی از این مکتوبات به معرفی نواب و وکلاء خود و معرفی امام زمان علیه السلام و فرهنگ انتظار فرج مرتبط است. ابوعمر و الکشی نقل می کند که در نزد محمد بن عیسی الیقطنی نامه ای به خط امام هادی علیه السلام دیده است که در آن، امام، علی بن هلال را در سال ۲۳۲ق به وکالت خود منسوب نموده اند (کشی، ۱۳۸۴: ۵۱۲، ش ۹۹۱؛ مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۵۰، ح ۱۰) تلاش امام هادی علیه السلام برای معرفی جانشین بعد از خود و معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان آخرین امام، که در نهایت ظهور کرده و با قیام خود عدالت را برقرار خواهد کرد یکی از پرکاربردترین موضوعات فرعی مطرح شده در تمامی مکاتبات امام است. شیخ صدوق با سند خود از علی بن مهزیار نقل می کند که گفت:

به امام هادی علیه السلام نامه نوشتم و درباره فرج پرسیدم، در پاسخم نوشت: چون صاحب [امام] شما از دیار ظالمان غیبت کرد منتظر فرج باشید. (صدوق، ۱۳۹۵: ۳۸۰: ح ۲ و ۳؛ مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۵۱، ۱۵۹، ح ۲)

این سیره رفتاری در تعاملات امامین عسکریین علیهم السلام با هدف پی ریزی شالوده رهبری شیعه در دوران رهبری شیعه در دوران غیبت صغری تا آخرین لحظات عمر شریف شان ادامه یافت. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۷۳) و این روش کاربردی به تعمیق فرهنگ مهدویت و روش متداول و مرسوم ارتباط با امام عصر علیه السلام در عصر غیبت کمک نمود.

راهبرد معرفت افزایی

هرچه به زمان تولد امام دوازدهم نزدیک می شد ضرورت شناخت و معرفت توده مردم با آن بزرگوار نیز، بیشتر رخ نمایی می نمود. یکی از راهبردهای کلان امامین عسکریین علیهم السلام که در

جهت رشد آموزه مهدویت به کار بسته شد معرفت‌افزایی و آشناسازی شیعیان با معارف مهدویت و شخصیت امام دوازدهم است. ارتقاء سطح معرفتی جامعه با فرهنگ مهدویت از رسالت‌ها و راهبردهای کلان عسکریین علیهم‌السلام می‌باشد که برای تحقق این راهبرد، اقدامات مهمی از سوی ایشان صورت پذیرفت که در این مجال به رفتارشناسی و تحلیل این اقدامات می‌پردازیم.

۱. تصریح به امامت حضرت مهدی علیه‌السلام

یکی از اقدامات مهم عسکریین علیهم‌السلام، معرفی امام مهدی علیه‌السلام و تصریح به امامت ایشان است. شیخ صدوق با سند خود از صقر بن ابی دلف نقل می‌کند که گفت:

از امام هادی علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: امام پس از من، حسن فرزند من است و امام پس از حسن، فرزندش قائم [آل محمد علیهم‌السلام] است که زمین را پراز عدل و داد می‌کند چنان‌چه از ظلم و جور پر شده باشد. (صدوق، ۱۳۹۵: ۳۸۳؛ مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۵، ۲۳۹: ۲)

علاوه بر بردن صریح نام امام دوازدهم و معرفی ایشان به عنوان امام بعدی، بیان کنایی از اوصاف وی نیز از شگردها و تاکتیک‌های امام هادی علیه‌السلام در راستای تعمیق فرهنگ مهدویت بود. چنان‌چه اربلی از قول داوود بن قاسم جعفری آورده است که امام هادی علیه‌السلام فرمود:

جانشین من حسن است، با جانشین او چه می‌کنید؟ گفتم فدایت شوم چطور؟ فرمودند: خودش را نمی‌بینید، جایز نیست او را به اسم بخوانید. گفتم پس چگونه بخوانیم؟ فرمود: به نام حجت از آل محمد علیهم‌السلام. (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۱، ۱۳؛ کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۱، ۳۲۸، ح ۱۳؛ صدوق، ۱۳۸۵ق: ۲۴۵، ح ۵؛ مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۵، ۲۴، ح ۵)

امام عسکری علیه‌السلام نیز در موارد مختلف به معرفی امام پس از خود پرداخت و برای معرفت و شناخت هرچه بیشتر شیعیان یا امام بعدی به امامت ایشان تصریح نمودند.

احمد بن اسحاق بن سعد از امام عسکری علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمودند:

سپاس خداوند را که مرا از دنیا نبرد تا آن‌که جانشین پس از مرا به من نمایاند. او در خلقت و اخلاق، شبیه‌ترین مردم به پیامبر خداست. خدای تبارک و تعالی از او در غیبتش محافظت خواهد کرد، سپس آشکارش می‌کند و او زمین را از عدل و داد می‌آکند، همان‌سان که از ظلم و بیداد پر شده است. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۰۸)

امام یازدهم در پاسخ به سؤال محمد بن عبد الجبار مبنی بر امامت و حجت بعد از خود چنین

می فرماید:

همانا امام و حجت خدا بعد از من، فرزند من است که هم اسم و هم کنیه رسول خدا ﷺ می باشد همان کسی که پایان بخش حجت های خدا و آخرین خلیفه اوست. (نوری، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۲، ۱۲۰)

امامین عسکریین علیهم السلام با تصریح به امامت حضرت مهدی علیه السلام، گامی بلند در معرفت افزایی توده مردم نسبت به آموزه مهدویت برداشتند.

۲. انتقال مفاهیم و معارف مهدوی از طریق دعا

استفاده از راهبرد انتقال آموزه های دینی از طریق ادعیه و زیارات، در دوره هایی که فشار و سختگیری به اهل بیت و پیروان آنان بیشتر می شد نمود بیشتری می یافت چنان که امام سجاد علیه السلام از همین شیوه برای انتقال تعالیم و فرهنگ اسلامی بهره بردند امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام نیز از این سلاح به عنوان یک راهبرد برای انتقال مفاهیم دینی و اعتقادی به ویژه موضوع امامت و مهدویت اهتمام ویژه داشتند.

سیدبن طاووس عالم بزرگ شیعی در باب زیارت جامعه غیرمعروف می نویسد: این زیارت که از حضرت هادی علیه السلام منقول است در چند جای آن به وجود نازنین امام زمان علیه السلام پرداخته است. «... خدایا حجة بن الحسن، صاحب عصر و زمان، وصی اولیاء و بازمانده پیامبران، آن که از خلق تو پنهان است و برای نمایاندن حقت، آرزویش را می برند، آن مهدی منتظر و قائمی که با او [از ستمگران] انتقام می گیری، خدایا بر همه ایشان صلوات فرست... خدایا به وعده خود به ایشان وفا کن، و زینت را با شمشیر قائم ایشان پاک گردان و به وسیله او [مهدی] حدود تعطیل شده و احکام رها شده و تبدیل شده خود را به پا دار و دل های مرده را زنده کن...». (سیدبن طاووس، ۱۳۷۱ ش: ۴۹۴) در کتب ادعیه نقل شده است هنگامی که مردم قم از موسی بن بُغی (بغا) به محضر امام عسکری علیه السلام شکایت نمودند حضرت دستور دادند این دعا را در قنوت شان بخوانند. در این دعا که مضامین بلند و معارف ژرفی در عرصه امامت و مهدویت را در خود دارد امام عسکری علیه السلام یک دوره فشرده امام شناسی و مهدی شناسی را در قالب دعا به شیعیان تعلیم فرمودند. امام عسکری علیه السلام فرمودند:

پروردگارا حق را به وی [مهدی] آشکار و صبح آن را در تاریکی های سخت و حیرت های دشوار تابناک فرمای... بار خدایا! آن دعوت کننده به سوی تو و برپاکننده قسط و داد از بندگان تو که نیازمند حجت تو و محتاج کمک تو بر اطاعتت... او را از شر تجاوزگران در حفظ و حمایت بگیر... (موسوی اصفهانی، ۱۳۹۲: ج ۲، ۸۶).

امامین عسکریین علیه السلام در قالب دعا به پشتوانه سازی معرفتی برای فرهنگ امامت پرداختند و به گونه ای غیرمستقیم تلاش کرده اند که به تعالی و تقویت آموزه مهدویت نیز بیانجامد.

۳. تبیین دقیق مفهوم غیبت و آموزش رفتاری آن

یکی از اقدامات اساسی عسکریین علیه السلام در جهت معرفت افزایی و تقویت باور مهدویت، طرح پیشاپیش مسئله غیبت حضرت مهدی علیه السلام و تبیین دقیق آن بود. پرسش اعتقادی که امام هادی علیه السلام مکرر، پس از معرفی فرزندشان به عنوان جانشین امامت، از شیعیان می پرسند این است:

... فکیف لکم بالخلف من بعد الخلف؟ ... (خزار قی، ۱۴۰۱: ق ۳۸۱، ح ۶۴۸)؛

پس حال شما بعد از فرزندم چگونه است؟

این عبارت را می توان بارزترین شیوه برای تبیین مفهومی غیبت فرض کرد. حضرت هادی علیه السلام به کسانی که هم چون علی بن مهزیار (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۸۰؛ مسعودی، ۱۳۴۳: ق ۲۲)، علی بن محمد بن زیاد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۸) و حتی در پاسخ به جماعت شیعه، مسائل مربوط به غیبت قریب الوقوع حجت آل محمد علیهم السلام را گوشزد می کردند. به عنوان نمونه؛ شیخ طوسی با سند خود نقل می کند که نزد امام هادی علیه السلام از درگذشت امام جواد علیه السلام یاد شد. فرمود:

اینک تا من زنده هستم امامت با من است، مردم چگونه خواهند بود چون امام پس از مرا از دست دهند. (طوسی، ۱۴۱۱: ق ۱۶۲، ۱۲۲؛ مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۵۱، ۱۶۱)

امام حسن عسکری علیه السلام همین مشی را در باب تبیین و واکاوی مسئله غیبت ادامه دادند. حسن بن محمد بن صالح می گوید:

از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: همانا فرزندم قائم پس از من است و او همان کسی است که ویژگی های پیامبران، از طول عمر، و غیبت (طولانی) برای او خواهد بود تا آن که دل ها به سبب مدت غیبتش سخت شود و جز کسی که خدای تعالی، اعیان را در دلش نقش کرده و وی را با روحی از جانب خود مؤید ساخته است، در عقیده به امامت او ثابت قدم نماند. (قطب راوندی، ۱۴۰۹: ق ۲، ۹۶۴)

حتی آموزش رفتاری غیبت و کاهش گام به گام ارتباط مستقیم با شیعیان توسط عسکریین علیه السلام در عادت دهی شیعیان به پذیرش مسئله امام غایب تأثیر به سزایی داشت. بحرانی در کتابش آورده است که امام عسکری علیه السلام حتی به هنگام سخن گفتن با اصحاب

خویش نیز از پس پرده با آنان صحبت می فرمود. آنان صدای امام را می شنیدند ولی صورت و چهره ایشان را نمی دیدند. (بحرانی، ۱۴۲۷ق: ۲۶۲) هرچه امامان شیعه به دوران غیبت صغری نزدیک تر می شدند، استتار آنها بیشتر می شد. این مسئله در دوران عسکریین علیهم السلام به صورت ملموس و عینی تر می شود. مسعودی در این باره می نویسد:

امام هادی علیه السلام از بسیاری از موالیان خود، به جز معدودی از خواص، دوری می گزید و زمانی که امر امامت به امام حسن عسکری علیه السلام منتهی شد آن حضرت از پس پرده با خواص و غیر آنان سخن می گفت، مگر در اوقاتی که به قصد خانه سلطان سوار بر مرکب می شد. (مسعودی، ۱۳۴۳ق: ۲۶۲)

علت این رفتار عسکریین علیهم السلام این بود که مقدمه غایب شدن امام زمان علیه السلام را فراهم کرده باشند تا شیعیان با این موضوع مأنوس شده، منکر غایب شدن امام نشوند و مردم به پنهان زیستی امام عادت کنند.

۴. شبهه زدایی و پاسخ به سؤالات در زمینه مهدویت

از مهم ترین اقدامات عسکریین علیهم السلام، شبهه زدایی و پاسخ به پرسش های مردم در باب حضرت مهدی علیه السلام و فرهنگ مهدویت بود. کلینی با سند خود از حسن بن ظریف کوفی چنین نقل می کند:

دو مسئله در دلم می گذشت، خواستم درباره آن دو به امام عسکری علیه السلام نامه بنویسم نامه نوشتم و پرسیدم: هرگاه قائم قیام کند، چگونه قضاوت می کند؟ و جای قضاوتش میان مردم کجاست؟ و خواستم از او درباره چیزی برای تب نوبه ای بپرسم، موضوع تب از یادم رفت. [پس از مدتی] چنین جواب آمد: از قائم پرسیدی؛ چون قیام کند با علم خود میان مردم داوری می کند هم چون حضرت داوود و شاهد نمی خواهد، می خواستی برای تب نوبه ای چیزی بپرسی که فراموش کردی... (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۵۰۹؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۴۳).

شیخ طوسی نیز در روایتی دیگر از سعد بن عبدالله از داوود بن قاسم جعفری چنین روایت می کند:

در حضور امام عسکری علیه السلام بودم، ایشان فرمودند: هرگاه قائم قیام کند، مناره و مقصوره ها را در مساجد ویران می کند. در ذهنم شبهه ای به وجود آمد پیش خودم گفتم: این برای چیست؟ حضرت رو به من کرد و فرمود: معنای آن این است که اینها نوظهور و بدعت است و نه پیامبر و نه حجت، آنها را نساخته است. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۱۴)

۲۰۶، ح ۱۷۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۴۳۷؛ مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۵۰، ۲۵۰؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ۱۴۲؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۱۸؛ نوری، ۱۴۰۸: ج ۳، ۳۷۹

این اقدام امامین عسکریین علیهم السلام در تحکیم و ارتقاء بنیه معرفتی شیعیان در زمینه اعتقاد به آموزه مهدویت بسیار مؤثر بود.

نتیجه گیری

از مطالب گذشته نتایج زیر به دست آمده است:

۱. با وجود خفقان و اختناق شدید خلفای عباسی علیه امامین عسکریین علیهم السلام، ایشان برای فهم پذیری و رشد آموزه مهدویت، به خلق راهبردهای مؤثر و کلان اهتمام ورزیدند و توانستند با پتانسیل برآمده از این راهبردها به پذیرش و تعمیق آموزه مهدویت در سطح جامعه بیافزایند این راهبردها در دو حوزه سلبی و ایجابی بودند.

۲. راهبردهای کلان سلبی که در پیرایش و آسیب زدایی آموزه مهدویت نقش به سزایی داشتند عبارت بودند از: راهبرد پیشگیری و هشدار و راهبرد فریب دشمن.

۳. برای تحقق این راهبردها، اقداماتی از سوی امامین عسکریین علیهم السلام صورت پذیرفته است؛ اقداماتی چون: تصریح به مرگ محمد بن علی و برپایی مجلس عزاء، پیشگویی از فرقه جعفریه، تکذیب و نهی از همنشینی با مدعیان منحرف بابت در راستای تحقق راهبرد پیشگیری و هشدار صورت گرفت. و برای عملیاتی شدن راهبرد فریب دشمن، اقداماتی چون: به اشتباه انداختن دشمن، تغییر و جابه جایی مکان امام مهدی علیه السلام و تعیین مادر خویش به عنوان وصی... از سوی عسکریین علیهم السلام در بُعد سلبی انجام پذیرفت.

۴. در بُعد ایجابی، امامین عسکریین علیهم السلام دو راهبرد کلان تقویت شبکه ارتباطی با هدف استفاده حداکثری از پتانسیل وکلا و علما و کاهش ارتباط مستقیم امام با شیعیان از سوی ایشان در دستور کار قرار گرفت. برای همین منظور، اقدامات مهمی چون: معرفی نواب خاص و لزوم طرح جانشینی فقها، تربیت نخبگان مهدوی و تولید محتوای پژوهشی در عرصه مهدویت و طرح مسائل مهدوی در قالب نامه نگاری به اجرا درآمد.

۵. معرفت افزایی، راهبرد کلان دومی بود که در بعد ایجابی به کار گرفته شد که از سوی امامین عسکریین علیهم السلام برای پیاده سازی این راهبرد اقداماتی چون تصریح به امامت حضرت مهدی علیه السلام، انتقال معارف مهدوی از طریق دعا، تبیین مفهوم غیبت و آموزش رفتاری در این زمینه و پاسخ به شبهات مهدوی صورت گرفت.

منابع

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۸۵ق)، *علل الشرائع*، نجف اشرف، مكتبة الحيدرية.
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *كمال الدين وتمام النعمه*، قم، دارالكتب الاسلاميه، دوم.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ابی طالب* علیه السلام، بی جا، مؤسسه انتشارات علامه.
۴. ابن طاووس، سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر (۱۴۱۱ق)، *مصباح الزائر*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵. ابن طاووس، سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر (بی تا)، *جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع*، قم، موسسة الآفاق.
۶. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *كشف الغمه فی معرفة الاثمة*، تبریز، مكتبة بنی هاشم.
۷. اشعری، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰ش)، *المقالات والفرق*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۴۵ش)، *خاندان نوبختی*، تهران، کتابخانه طهوری، دوم.
۹. آقا بزرگ طهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق)، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، بیروت، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی.
۱۰. بحرانی، هاشم (۱۴۲۷ق)، *بهجة النظر فی اثبات الولاية والامامة للأئمة الاثنی عشر*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، دوم.
۱۱. جباری، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه* علیهم السلام، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله.
۱۲. جعفریان، رسول (۱۳۸۰)، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، قم، انتشارات انصاریان.

۱۳. حسین، جاسم (۱۳۸۵)، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، ترجمه: دکتر سید محمدتقی آیت‌اللهی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۴. خزاز قمی، علی (۱۴۰۱ق)، *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، تهران، انتشارات بیدار.
۱۵. خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق)، *الهدایة الکبری*، بیروت، البلاغ.
۱۶. رفیعی، علی (۱۳۸۷)، *تاریخ تحلیلی پیشوایان*، تهران، انتشارات جاویدان.
۱۷. صدر، سید محمد (۱۴۱۲ق)، *تاریخ الغیبة*، بیروت، دارالتعاریف.
۱۸. طاهر البغدادی، عبد القاهر (۱۴۰۸ق)، *الفرق بین الفرق*، بیروت، دارالجلیل.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام، اول.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، *رجال*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۵۱)، *الفهرست*، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، سوم.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
۲۳. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة‌الله (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
۲۴. کشی، محمد بن عمر (۱۳۸۴ش)، *رجال*، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۱)، *بحار الانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۸۶)، *مکتب در فرایند تکامل*، ترجمه: هاشم ایزدپناه، بی‌جا، انتشارات داروین.
۲۸. مسعودی، ابوالحسن علی (۱۳۴۳ق)، *الاثبات الوصیه*، ترجمه: محمد جواد نجفی، بی‌جا، انتشارات اسلامی.

۲۹. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الاختصاص*، قم، کنگره هزاره شیخ مفید، اول.
۳۰. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الارشاد*، قم، کنگره شیخ مفید/ انتشارات جامعه مدرسین.
۳۱. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الفصول العشره*، تحقیق: شیخ فارس الحسون، بیروت، دارالمفید.
۳۲. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی (۱۳۹۲)، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، قم، انتشارات عطر عترة.
۳۳. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، *رجال*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۳۴. نوبختی، ابن محمد حسن بن موسی (۱۳۶۱)، *فرق الشیعه*، تعلیق: محمد آل بحر العلوم، نجف اشرف، المكتبة المرتضویه.
۳۵. نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

